



## بررسی دانش و آگاهی شهروندی به عنوان یکی از شاخص های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

وحید صالحی<sup>۱</sup>

۳۱

دوره ۱۲، شماره ۳، پیاپی ۳۱  
پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:  
۱۴۰۲-۱-۲۵  
تاریخ پذیرش:  
۱۴۰۳-۸-۳۱  
صص: ۱۶۹-۱۳۳

شابا چاپی: ۵۵۹۹-۲۲۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی سخت کوهی در:  
JOURNALS.MSRT.IR

### چکیده

در سال های اخیر تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد توجه نهادهای ذیصلاح قرار گرفته است. از آنجایی که چنین مبحثی در سال های اخیر در بحث های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح می شود. در این نوشتار سعی بر آن است که ابتدا شاخص های دانش و آگاهی شهروندان مورد مطالعه قرار گرفته و سپس از بعد جامعه شناسی میزان تأثیر آن را در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بررسی نمایم.

نخستین بار این مفهوم در منظومه فکری مقام معظم رهبری تبلور یافته است، تبیین شاخص های این الگو از منظر ایشان امری ضروری به نظر می رسد. نگارنده در این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی تحلیلی، مطالعات کتابخانه ای و بررسی بیانات مقام معظم رهبری پیرامون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت درصدد پاسخگویی به سوال پژوهش برآمده اند. که عبارت است از " بررسی دانش و آگاهی شهروندی به عنوان یکی از شاخص های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؟". در این راستا، ابتدا بیانات ایشان با کلید واژه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جمع آوری گردید و در ادامه شاخص های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در سه سرال فرعی و سه فرضیه مناسب آن تبیین گردید و بدان پاسخ داده شد. برای استخراج شاخص ها از یافته های دقیق و راهگشا، داده ها مورد تحلیل کمی و کیفی قرار گرفته است. در نتیجه اکثریت قاطع یافته ها بر دانش و آگاهی شهروندی به عنوان یکی از شاخص های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأثیر به سزایی در شکل گیری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأکید دارند.

**کلیدواژه ها:** الگو، اسلامی، ایرانی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دانش، آگاهی شهروندان

## مقدمه

اگرچه اهمیت شهروندی هرگز مورد انکار نبوده، اما در دو دهه اخیر وضعی تعیین کننده پدیدار کرده است. این مفهوم ابتدا به موازات گرایش دوباره به جامعه مدنی در اواخر دهه ۱۹۸۰ احیاء گردیده و تا به امروز بحث های زیادی حول آن سامان گرفته است و در ادامه دانش و آگاهی شهروندان<sup>۱</sup> همواره یکی از مؤلفه های اصلی زندگی انسان در مسیر جست و جوی فردایی بهتر و پیشرفت و توسعه بیشتر بوده است. آگاهی شهروندان موجب رسیدن ایشان به حقی است که جامعه برای آن ها در نظر می گیرد. میزان و نوع دانش و آگاهی در همه دوره های تاریخ منشأ اثر بوده است، هرچه قدر دانش و آگاهی بیشتر شود، بشر مؤثر، فعال، پاسخگو و موجب مشارکت بیشتر و بهتر در همه سطوح زندگی و جامعه می شود. اما باید در نظر داشت که گرچه آگاهی افراد خود عاملی اساسی در هرگونه دگرگونی و خواست عمومی به شمار می آید و این آگاهی به معنای صفت شخص یا گروه اجتماعی است و دلالت بر باخبری کامل از اوضاع و احوال مسائل جاری در یک حوزه خاص دارد، اما خودبه خود و بدون پشتوانه حادث نمی شود و متغیرهای مختلفی می توانند در ایجاد آن مؤثر باشند که از جمله می توان به مفهوم مسئولیت پذیری<sup>۲</sup> اشاره کرد، مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری؛ مؤلفه دیگری است که می تواند شهروندان را به سمت التزام به سبک زندگی سوق دهد. وظایف و مسئولیت شهروندان علاوه بر دانش و آگاهی صرف و یا مراقبت ها و الزامات قانونی می بایست توأم با احساس مسئولیت عقلی و قلبی و پایبندی عملی آن ها باشد تا بیش از هرزمانی منشأ تأثیر باشد. باید بسیاری از اعمال و رفتارهایی را که در نهایت به نفع شهروندان و گروه های شهروندی و در نهایت به نفع جامعه می شود از روی میل و رغبت و علاقه درونی انجام دهد. در این میان آنچه شهروندان را به انجام چنین کارهایی تشویق می کند اعتماد اجتماعی نقطه عطف فرآیندی است که طی آن، فرد نسبت به محیط، پیرامون خود احساس تعهد، مسئولیت و هویت مشترک پیدا می کند به طوری که موجب احساس مثبت نسبت به محیط مورد نظر شود؛ و بر اساس آن، فرد تمام توان، نیرو و دارایی های روانی، اجتماعی و اقتصادی<sup>۳</sup> خود را داوطلبانه جهت اثبات تعهد و مسئولیت به کار

۱. Citizenship awareness

۲. Responsibility

۳. Economic

می‌گیرد. مسئولیت؛ یک ویژگی شخصیتی است که معمولاً به صورت یک نگرش در ساختار روانی و رفتاری فرد شکل می‌گیرد و یک تغییر عمده و اساسی در رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شود. لذا در آگاهی شهروندی جایگاه جالب توجهی دارد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌تواند وسیله و ابزار مؤثری برای حفظ انسجام اجتماعی در عین احترام به تفاوت‌های موجود و فهم آن‌ها باشد. افراد مسئولیت‌پذیر افرادی با وجدان اخلاقی می‌باشند که به‌طور خودجوش و درون‌زا تمام تلاش خود را به عمل می‌آورند تا از حداکثر توانایی خود برای انجام مطلوب کارها و وظایف محوله استفاده نمایند. در فرهنگ جامعه‌ی ایرانی به تأثیر مسئولیت‌پذیری در سرنوشت خود و دیگران بسیار تأکید شده است، در مقابل گریز از ایفای مسئولیت و فردگرایی، تنهایی و دوری جستن از اجتماع منع شده است. مسئولیت‌پذیری در ابعاد فردی و اجتماعی، واقعیتی است که می‌تواند ابزار و وسیله خوبی برای رسیدن به سبک زندگی باشد، پس موضوع بعدی سبک زندگی است که با ورود تکنولوژی و ارتباط جوامع با یکدیگر و مراودات این جوامع، سبک و سیاق زندگی افراد تغییر چشمگیری داشته است و توانسته ابعاد مختلفی از زندگی انسان را تحت تأثیر قرار دهد. به‌گونه‌ای که امروزه استفاده از تکنولوژی و ابزارهای وابسته به آن رشد فزاینده‌ای نسبت به قبل داشته است. در ادامه با مفهوم «سبک زندگی»<sup>۱</sup> که از جمله مفاهیم نوظهور در حوزه‌ی علوم اجتماعی است، سروکار داریم. سبک زندگی به مثابه چشم‌اندازی برای توضیح «واقعیت اجتماعی» در کلیت آن، حداکثر به سال‌های دهه‌ی هشتاد قرن بیستم برمی‌گردد. با وجود اهمیت فزاینده‌ی مفهوم سبک زندگی در تحلیل‌های اجتماعی، این مفهوم هنوز از صراحت کافی برخوردار نیست و اغلب به‌گونه‌ای غیردقیق و مبهم به کار می‌رود. با این توصیف، اکنون مسئله ما این است که چرا کشورهایی به مرحله خوبی از توسعه همراه با سبک زندگی توسعه محور رسیده‌اند ولی کشور ایران به ویژه شهروندان تهرانی در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هنوز به یک الگوی واحد و تأثیرگذار نرسیده‌اند، این موضوعی است که در این پژوهش به دنبال رسیدن به آن هستیم، همچنین می‌خواهیم دانش و آگاهی شهروندی را در رابطه با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تبیین نمائیم.

## ۱. Lifestyle

## بیان مسئله

هم‌زمان با توجه به پیشرفت تکنولوژی و سرعت تغییرات در همه ابعاد زندگی بشر و از طرفی محدود بودن منابع و امکانات زندگی، نیازهای روزافزون منجر به این شد که نظر اندیشمندان و صاحب‌نظران در قرن بیستم به موضوع الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت معطوف شد، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از جمله اهداف و آرزوهای حکمرانان ده های اخیر بوده است. بسیاری از کشورها که امروز کشورهای پیشرفته صنعتی نامیده می‌شوند به این هدف دست‌یافته‌اند، که یک الگوی متناسب با بوم خود طراحی کنند، ولی در کشور ما حکمرانان در نهادهای مختلف هنوز به این موضوع و اهمیت آن پی نبرده‌اند.

اما در میان این کشورهای به اصطلاح در حال توسعه و توسعه‌نیافته، تلاش برای دستیابی به این هدف همچنان ادامه دارد. با این وجود، اکثر این تلاش‌ها قرین موفقیت نبوده و دایره ملل پیشرفته صنعتی هنوز محدود به باقی مانده است. در همین راستا، نظریات زیادی در این باب و ابزارهای آن ارائه شده است و بر مبنای آن‌ها استراتژی‌های توسعه‌ای گوناگونی به اجرا درآمده‌اند. از سوی دیگر افزایش فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه منجر به تقاضای بیشتر انرژی و مصرف می‌شود که به طور کلی به پیچیده‌تر شدن و دشوار شدن این مسیر ختم می‌شود. یک باور متعارف وجود دارد مبنی بر اینکه کشورهای در حال توسعه هم یک زمانی نیاز به الگوی یک‌دست دارند. با این حال، چندین مطالعه نشان داد که بسیاری از کشورهای در حال توسعه ضمن رعایت ضعیف سیاست‌های اقتصادی، چارچوب‌های قانونی و ابزارهای اقتصادی که توسط استانداردهای بین‌المللی بسیار پیچیده در نظر گرفته شده‌اند، با بدتر شدن شرایط اقتصادی روبرو هستند (فیلو و همکاران، ۲۰۲۰: ۷۵۱).

از این منظر، پذیرش رفتارهای تقویت کننده توسط عموم مردم، یعنی اتخاذ الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یک مسئله فوری در دستیابی به رشد و توسعه همه جانبه در همه سطوح است. مشارکت شهروندان می‌تواند ابزارهای قانونی و اقتصادی موجود را که با کمبود توانایی‌های نهادی، مدیریتی و مالی برای اجرا روبرو هستند، تکمیل کند. افزایش مشارکت شهروندان به این معنی است که چارچوب‌های قانونی بیشتر مورد احترام قرار می‌گیرند و سازوکارهای شکل

گیری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیشتر پذیرفته می‌شوند، بنابراین، کارآیی آنها افزایش می‌یابد.

توجه اندیشمندان زیادی به سمت این مسئله معطوف شد که برای سرعت بخشیدن به روند شکل‌گیری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و بالا بردن حس همکاری در میان اعضای جامعه، باید دانش افراد را افزایش داد، زیرا از جمله شاخص‌های مهم برای سنجش میزان مشارکت افراد در یک جامعه، مسئله وجود آگاهی افراد آن جامعه است. آگاهی نداشتن افراد جامعه خود از عوامل عقب‌ماندگی جامعه و زمینه‌ساز استبداد و سرکوب یک ملت و در نتیجه گرفتار شدن افراد جامعه در چرخه فقر، جهل و خشونت است. آگاهی به فرد اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می‌دهد و به احقاق حقوق و زندگی بهتر برای فرد و دیگر اعضای جامعه منجر می‌شود. پیش‌فرض اصلی این است که آگاهی افراد، مبنای عمل و تحقق واقعی آن است، باید توجه داشت که آگاهی فرد است که به وی اجازه می‌دهد تا در زندگی اجتماعی خود دخالت آگاهانه داشته باشد و وی را به شخصی فعال تبدیل می‌کند که ماحصل آن، پاسخگو شدن نهادهای اجتماعی است. بدون آگاهی، هیچ تغییری در زمینه تسهیل ارتباط صحیح ملت و دولت مشاهده نخواهد شد و شرایط مناسب برای مشارکت افراد در سرنوشت سیاسی-اجتماعی و اقتصادی خویش فراهم نمی‌شود و حتی قانون به عنوان عاملی در بروز و نهادینگی حقوق، بدون آگاهی افراد جامعه تحقق‌پذیر نیست.

مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری؛ مؤلفه دیگری است که می‌تواند شهروندان را به سمت التزام به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت سوق دهد. وظایف و مسئولیت شهروندان علاوه بر دانش و آگاهی صرف و یا مراقبت‌ها و الزامات قانونی می‌بایست توأم با احساس مسئولیت عقلی و قلبی و پابندی عملی آن‌ها باشد تا بیش از هرزمانی منشأ تأثیر باشد. باید بسیاری از اعمال و رفتارهایی را که به نفع شهروندان و گروه‌های شهروندی و در نهایت به نفع جامعه می‌شود از روی میل و رغبت و علاقه درونی انجام دهد. مسئولیت‌پذیری؛ کسی است که بتواند تعهداتی را که بر عهده دارد، انجام دهد. مسئولیت‌پذیری در یک تقسیم‌بندی کلی به دو بخش مسئولیت‌پذیری فردی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تقسیم می‌شود. مسئولیت‌پذیری فردی به این معناست که فرد خود را نسبت به خود و موقعیتی که در آن قرار گرفته و همچنین نیازها و

بهره‌ورزی دیگران مسئول بدانند. اما ایده اساسی مسئولیت‌پذیری اجتماعی به رسمیت شناختن این نکته است که فرد بخشی از جامعه است و باید در آرمان‌ها و اهداف اجتماعی مشارکت کند. از سوی دیگر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در ارتباط نزدیکی با مفاهیمی چون حقوق بشر، عدالت اجتماعی و تعامل اجتماعی می‌دانند. به طور کلی، مسئولیت‌پذیری در بعد فردی زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری اجتماعی است و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پیامدهای زیادی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها اتخاذ سبک زندگی مطلوب و توسعه محور و دیگر خواهی در روابط اجتماعی است. با پذیرش مسئولیت و مبارزه با مشکلات و درگیر شدن با مسائل است که انسان رشد می‌کند و استعدادهای نهفته‌اش شکوفا می‌شود و از این طریق است که احساس اعتماد به نفس در انسان متجلی می‌شود نه با کناره‌گیری و فرار از مسئولیت (عیوضی، ۱۳۹۰).

همان طور که گفته شد رشد و توسعه اهداف دائمی جوامع مختلف است. اما، یک سؤال وجود دارد: چگونه می‌توانیم به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دسترسی پیدا کنیم؟ در دهه‌های اخیر، توسعه اقتصادی - اجتماعی در بیشتر جوامع علمی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. علوم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همچنین علوم زیستی بیشتر بر توسعه متوازن و عوامل مؤثر آن تمرکز دارند (بوسل، ۱۹۹۹). یک محتوای عالی به نام «سبک زندگی» هر سه عامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی را پوشش می‌دهد. محققان و کارشناسان اقتصادی در دهه ۱۹۵۰ سبک زندگی را مطرح کردند (کیرشمن، ۲۰۱۱). این محتوا الگوی زندگی ایجاد شده توسط افراد، گروه‌ها، دولت‌ها و جوامع را فراهم می‌کند. سبک زندگی به شهروندان و خصوصیات فرهنگی یک کشور بستگی دارد. امروزه به خاطر جهانی شدن، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را نمی‌توان محلی دانست و باید بر موضوع زمان و تحول آن بیشتر متمرکز شد (فرهود و خان احمدی، ۲۰۱۵). سبک‌زندگی مجموعه‌ای از انتخاب‌های معمول است که فرد در مورد شیوه‌های مختلف مانند لباس، رژیم غذایی، مسکن، فعالیت‌های اوقات فراغت و موارد دیگر انجام می‌دهد (وبر، ۱۹۷۸). این انتخاب‌های سبک زندگی نشان می‌دهد که افراد چه کسانی هستند و می‌خواهند چه کسانی باشند (Featherstone, ۱۹۸۷). جامعه‌شناس آنتونی گیدنز (۱۹۹۱: ۵) آن را «پروژه بازتابنده از خود»<sup>۱</sup> نامیده است و آن هنگامی بوجود می‌آید که افراد سعی می‌کنند روایات منسجمی از زندگی

۱ . reflexive project of the self

خود ایجاد کنند. امروزه متناسب با پیشرفت و تحول در حوزه‌های مختلف و گذار نسبی جوامع از شکل سنتی به مدرن، شاهد شکل‌گیری سبک‌های جدید زندگی هستیم. سبک زندگی، در واقع، شکل‌دهنده هویت گروهی و اجتماعی افراد است. سبک‌های زندگی بخش جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی روزمره در جهان مدرن هستند و نقش اساسی در تعاملات اجتماعی دارند. آنچه که در کانون توجه این مطالعه قرار دارد، سبک زندگی نیست، بلکه نوع خاصی از سبک زندگی به نام «سبک زندگی توسعه محور» می‌باشد. «سبک زندگی توسعه محور»<sup>۱</sup> مجموعه‌ای از عادات و الگوهای رفتاری است که در یک جامعه تعبیه شده و توسط نهادها، هنجارها و زیرساخت‌هایی که انتخاب فردی را به منظور به حداقل رساندن استفاده از منابع طبیعی و تولید زباله‌ها و همین‌طور حمایت از انصاف و شکوفایی برای همه تنظیم می‌کنند، تسهیل می‌شود. (اکنجی و چن، ۲۰۱۶: ۳). به بیان مختصر، سبک زندگی توسعه محور به آن دسته از اقدامات، باورها و روابط گفته می‌شود که در راستای توسعه و استمرار آن باشد. ایجاد سبک‌های زندگی بر پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مستلزم تغییر در هنجارهای اجتماعی و در طراحی سیستم‌های حمایت‌کننده از سبک زندگی است. این به معنای تجدیدنظر در نحوه زندگی ما است - از جمله نحوه خرید و سازماندهی زندگی روزمره. همچنین برای چگونگی معاشرت، تبادل، به اشتراک گذاری، آموزش و توسعه هویت‌های ما پیامدهایی نیز دارد. در سطح کلان، مربوط به تغییر در جوامع برای تأمین بهتر نیازهای مردم در تعادل با محیط طبیعی است. به عنوان شهروند، در خانه و محل کار، انتخاب‌هایی که در مورد غذا، مسکن، تحرک، کالاهای مصرفی (از جمله لباس و لوازم و غیره)، اوقات فراغت (از جمله محصولات و خدمات گردشگری)، ارتباطات و تعامل انجام می‌دهیم به ایجاد سبک زندگی پایدار کمک می‌کند.

با توجه به مطالب فوق‌الذکر، سئوالی که محقق قصد پاسخگویی بدان را در این گفتار پژوهشی دارد می‌توان اینگونه تدوین کرد:

«آگاهی شهروندان چه تأثیری در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دارد؟»

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بستر مناسبی برای حرکت به سمت ایجاد تمدن نوین اسلامی را فراهم کرده است. امروز و بعد از گذشت چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی،

۱. development oriented lifestyle

سازوکارهای رسیدن به این جایگاه بزرگ و نحوه ساخت بنای رفیع آن مورد توجه است (اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۱). بر اساس آرمان های انقلاب اسلامی باید جهانی شکل می گرفت که در آن استکبار ستیزی، وحدت سیاسی کشورهای اسلامی، حکومت جهانی اسلام، صدور انقلاب و دفاع از مسلمانان و مستضعفان رواج می یافت و نظم موجود را دگرگون می ساخت. در این میان طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توسط مقام معظم رهبری موجب توجه به ابعاد خارجی و کاربرد آن در جهان اسلام نیز شده است؛ زیرا چنین الگویی با توجه به اهداف متعالی انقلاب اسلامی نمی تواند صرفاً متوجه داخل کشور باشد (بهمن، ۱۳۹۷: ۶۸). بیست و دوم مهر سال ۱۳۹۷ سندی تحت عنوان سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت همراه با بیانیه ای از سوی آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی منتشر شد. بر اساس برداشتی که اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منویات و بیانات مقام معظم رهبری داشته اند، تعریف این مرکز از الگو عبارت است از "الگو نقش های جامع است که هدف و سمت حرکت، شیوه حرکت و نحوه رفتار جامعه را برای تحقق یافتن تحول تکاملی جامعه بیان می کند" (نصراصفهانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۲۸). نیل به موفقیت در تدوین و اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان یک طرح ملی که بعد از قانون اساسی، والاترین سند راهنمای حرکت نظام است نیازمند مشارکت همه آحاد جامعه خصوصاً نخبگان است؛ زیرا نخبگان هر جامعه مبدع و محرک تحولات بزرگ محسوب می شوند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵). رسیدن به نقطه مطلوب، نیازمند تبیین شاخص های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می باشد. از این رو نگارندگان در این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی تحلیلی در راستای پاسخگویی به سوال پژوهش که عبارت است از "شاخص های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در منظومه فکری مقام معظم رهبری کدامند؟"، درصدد تبیین شاخص های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله) برآمده اند.

### اهداف و سؤالات پژوهش

معمولاً اهداف پژوهش را به دو دسته کلی و جزئی تقسیم می کنند. محقق این دسته بندی را مطلوب دانسته و آن را رعایت کرده است.

## هدف کلی

بررسی دانش و آگاهی شهروندی به عنوان یکی از شاخص‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

## اهداف جزئی

در راستای دستیابی به هدف کلی مذکور، اهداف جزئی زیر دنبال شده است:

- شناسایی ماهیت و مؤلفه‌های دانش شهروندی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت  
- تجزیه و تحلیل میزان و نحوه تأثیرگذاری دانش شهروندی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

- تجزیه و تحلیل میزان و نحوه تأثیرگذاری دانش شهروندان بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

- ارائه راهکار مناسب برای تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

## هدف کاربردی

ارائه راهکارهایی برای بهبود افزایش دانش و آگاهی شهروندان و ارائه پیشنهادها راهبردی برای اقداماتی جهت رسیدن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

## سؤالات پژوهش

معمولاً سؤالات پژوهش را به دو دسته کلی و جزئی تقسیم می‌کنند. محقق این دسته بندی را مطلوب دانسته و آن را رعایت کرده است.

## سؤال اصلی

آگاهی شهروندان چه تأثیری در رسیدن به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دارد؟

## سؤالات فرعی

۱. چه رابطه‌ای بین افزایش آگاهی شهروندان و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت وجود دارد؟  
۲. چگونه می‌توان انتخاب سبک زندگی را بر مبنای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در جامعه نهادینه سازی کرد؟

### پیشینه تحقیق

مروز پیشینه تحقیق، چشم اندازهای تحلیل را وسعت می دهد و محقق را با افکار متخصصان دیگر که تحقیقات و اندیشه هایشان ممکن است الهام بخش او در کار تحقیق باشد، آشنا می کند، وجوه گوناگون تحقیق را که به تنهایی نمی توانست به آنها پی ببرد، برایش آشکار و نهایتاً وی را در گزینش چهارچوب نظری مسئله تحقیقش کمک می نماید (بهروزی، ۱۳۸۷). در اینجا به بررسی تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور بر اساس سال انتشار تحقیقات پرداخته شده است.

### پیشینه داخلی تحقیق

سروش (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی میان احساس مسئولیت فردی و اجتماعی، اعتماد اجتماعی و رفتارهای دگرخواهانه در میان نوجوانان» بیان می کند که بیش از نیمی از نوجوانان شیرازی مورد مطالعه حداقل در سطح متوسط احساس مسئولیت پذیری فردی و اجتماعی داشته و در حد متوسطی نیز واجد اعتماد اجتماعی بوده اند. نتایج استنباطی نشان می دهد که مسئولیت پذیری فردی با اعتماد اجتماعی، اعتماد به گروه ها و دیگر خواهی رابطه مثبت و معنی داری دارد، اما مسئولیت پذیری اجتماعی با اعتماد رابطه منفی معنی دار داشته و با دیگر خواهی رابطه معنی داری ندارد.

کاویانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «کمی سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی» زمینه ای برای کمی سازی و سنجش سبک زندگی فراهم ساخت. وی با مطالعه متون اسلامی و روان سنجی، پرسشنامه ای ۱۳۵ سؤالی تهیه نمود. جامعه آماری در پژوهش وی را دانشجویان دانشگاه اصفهان و طلبه های حوزه علمیه قم در سطح کارشناسی تشکیل دادند. ۳۰۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب و دو آزمون سبک زندگی اسلامی (محقق ساخته) جهت گیری مذهبی روی آنها اجرا شد. داده ها با روش تحلیل عاملی، آلفای کرونباخ و تحلیل انوا بررسی شد و نتایج نشان داد که آزمون سبک زندگی اسلامی از پایایی ۰/۷۸۶ برخوردار است. نتایج تحلیل عوامل نیز روایی و ساختار عاملی مناسبی را نشان داد. به طور کلی، کاویانی نتیجه گرفت که سبک زندگی اسلامی قابل کمی شدن است و آزمون ساخته شده توسط وی، ویژگی های لازم روان سنجی را دارد.

کشاوری (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه سبک زندگی و امید به زندگی با بهزیستی روان‌شناختی سالمندان آموزش و پرورش شهرستان داراب» به این نتایج دست یافت که بین سبک زندگی با بهزیستی روان‌شناختی سالمندان رابطه معکوس معنادار وجود دارد؛ همچنین بین امید به زندگی با بهزیستی روان‌شناختی رابطه‌ی مستقیم معنی‌دار وجود دارد. بین متغیرهای پیش‌بینی سبک زندگی و امید به زندگی و متغیر ملاک (بهزیستی روان‌شناختی) رابطه خطی معناداری در سطح یک درصد وجود دارد و سبک زندگی و امید به زندگی به‌طور معناداری قادر به پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی می‌باشد. از بین خرده‌مقیاس‌های سبک زندگی، ارتباطات اجتماعی و سلامت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه خطی معناداری وجود دارد. وضعیت سلامت چون بتای بزرگ‌تری نسبت به ارتباطات اجتماعی دارد، پس پیش‌بینی قوی‌تری برای بهزیستی روان‌شناختی می‌باشد. همچنین سبک زندگی نسبت به امید به زندگی پیش‌بین قوی‌تری برای بهزیستی روان‌شناختی می‌باشد.

کلدی و پوردهناد (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران» نشان دادند که بین محل تولد و سکونت و میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی بین کسانی که از ابتدا در تهران متولد شده و زندگی می‌کنند، با افرادی که در شهرهای کوچک به دنیا آمده و برای ادامه تحصیل به تهران آمده‌اند؛ در میزان آگاهی از حقوق شهروندی تفاوت وجود دارد. بین متغیرهای مستقل جنس و پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان و متغیر وابسته آگاهی از حقوق شهروندی و نیز نگرش نسبت به حقوق شهروندی رابطه ضعیفی وجود دارد.

سبحانی نژاد (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل ابعاد شناسانه مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی» انجام داد نتایج نشان داد که هندسه معرفتی مسئولیت‌پذیری در چهار بعد اعتقادی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی قابل تبیین است و عملیاتی ساختن هریک از مسئولیت‌ها، به نحوی در ساختار زندگی به سبک اسلامی مؤثر هستند و حیات طیبه را برای آدمی در مراتب گسترده آن پدید می‌آورند.

ایمان و مرحمتی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی گرایش جوانان به سبک زندگی مدرن در شهر شیراز» انجام داده‌اند. هدف انجام این مطالعه تبیین جامعه‌شناختی گرایش

جوانان به سبک زندگی مدرن است. داده‌ها در این تحقیق با استفاده از روش پیمایش و توزیع پرسشنامه میان ۴۵۱ نفر به دست آمده است نتایج نشان می‌دهد ۱۵ درصد از تغییرات سبک زندگی مدرن جوانان توسط سرمایه فرهنگی تبیین می‌شود.

خواجه‌نوری (۱۳۹۳) در پژوهشی که تحت عنوان «رابطه سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی (مطالعه موردی: نوجوانان دبیرستانی شیراز)» انجام داد. نتایج نشان داد که اگر چه مسئولیت‌پذیری در مدرسه و مسئولیت‌پذیری فردی در میان دختران بیش از پسرها بود، اما مسئولیت‌پذیری اجتماعی پسرها بیش از دختران می‌باشد. بعلاوه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فردی و مسئولیت‌پذیری در مدرسه رابطه معنی‌داری با ابعاد مختلف سبک زندگی دارد.

یار محمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت با کیفیت زندگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه» در سال ۱۳۹۴ انجام داد. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر این بود که دانشجویانی که دارای سبک زندگی ارتقا دهنده سلامت بالایی هستند از کیفیت زندگی بالایی نیز برخوردار می‌باشند. با توجه به این موضوع می‌توان از دستگاه‌های مربوطه این انتظار را داشت که با توجه به نقطه ضعف‌های موجود در ایجاد سبک زندگی مناسب و در نتیجه با کیفیت، تدابیر لازم را اتخاذ کنند و راه‌های مناسبی برای بهبود هرچه بیشتر این مسئله مهم، بیابند.

حسینی، محمد (۱۳۹۵) با پژوهشی تحت عنوان «میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان» پرداخت پژوهش حاضر به منظور ارزیابی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی انجام شده است. این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و روش انجام آن توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوکان که شامل ۳۳۰۰ دانشجو می‌باشد. حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۵۳۰ برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق یافته و شیوه گردآوری اطاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. روایی تحقیق از طرق کارشناسان و متخصصان تأیید شده و داده‌های به دست آمده از طریق نرم‌افزار SPSS بر مبنای اهداف تحقیق از طریق آزمون تی تک نمونه‌ای و آزمون تی مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی نسبت

به میانگین جامعه در سطح پایینی قرار دارد و میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان برحسب جنسیت تفاوت معناداری ندارد.

شارع پور و شعبانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی از میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری» نشان دادند که متوسط بودن میزان آگاهی شهروندی شهروندان نسبت به امور شهری است که سهم آگاهی مردان بیشتر از زنان می‌باشد. متغیر رسانه‌های جمعی و مشارکت در نهادهای مدنی معنادار بوده و رسانه‌های جمعی، مهم‌ترین تبیین‌کننده آگاهی شهروندی نسبت به امور شهری می‌باشد. متغیرهای زمینه‌ای معنادار می‌باشند و تطابق یافته‌های این متغیرها دلالت بر ضعف آگاهی در میان جوانان است.

صالحی و پازوکی نژاد (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی پایدار در بین دانشجویان» با استفاده از روش پیمایشی و نمونه‌گیری تصادفی از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی استان مازندران (۱۰۳۱۳) دانشجو در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ و انتخاب نمونه متناسب با حجم ۴۱۵ نفر نشان دادند که سبک زندگی دانشجویان ناپایدار بوده و میزان رعایت سبک زندگی پایدار بر حسب جنسیت و محل سکونت دانشجویان متفاوت است. به عبارت دیگر، دانشجویان پسر بیش از دانشجویان دختر و شهرنشینان بیش از روستائیان سبک زندگی پایدار داشتند. بعلاوه، نتایج تحقیق نشان داد که بین منابع اطلاعات زیست محیطی، نگرش زیست محیطی و سبک زندگی پایدار رابطه مستقیم وجود دارد.

خورشیدی زگلوچه و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با نام «تعامل بین سبک زندگی پایدار و توسعه پایدار خانواده‌های روستایی»، تلاش کرده‌اند تا نشان دهند که سبک زندگی پایدار چگونه و تا چه اندازه می‌تواند منجر به توسعه پایدار خانواده در مناطق روستایی شود. این پژوهش به عنوان بخشی از رساله دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز انجام شده است. روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و ابزار آن پرسشنامه بوده که در میان روستاییان شهرستان بستان آباد با حجم نمونه ۳۷۶ نفر از سرپرستان خانواده‌ها در قالب روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای توزیع شده است. مهم‌ترین یافته این مطالعه تأکید دارد که بین سبک زندگی پایدار و توسعه پایدار اقتصادی - اجتماعی در سطح خانواده‌های روستایی

همبستگی وجود دارد. از نقاط ضعف این پژوهش می توان به ناتوانی در ارائه تعریف دقیق از سبک زندگی پایدار و مشخص کردن ابعاد و شاخص های آن اشاره کرد.

### پیشینه خارجی تحقیق

اس. بار و ا. جیل (۲۰۰۶) در مقاله ای با عنوان «سبک های زندگی پایدار: چارچوب بندی اقدامات محیطی در خانه و اطراف آن» با استفاده از روش پیمایشی در میان شهروندان لندن نشان دهند که گروه های سبک زندگی چه اقدامات روزمره ای را در حمایت از محیط زیست انجام می دهند و چگونه این اقدامات در زندگی روزمره بخش های مختلف مردم انعکاس می یابد. در این مقاله ماهیت اقدامات محیطی در خانه و اطراف آن بررسی می شود. با توجه به افزایش توسعه پایدار محلی و تأکید بر اقدامات فردی برای پایداری، مقاله نقش شهروندان را در اتخاذ سبک زندگی پایدار، شامل ترکیب پاسخ های رفتاری از صرفه جویی در مصرف انرژی و صرفه جویی در مصرف آب، تا بازیافت زباله و مصرف سبز را بررسی می کند. این مقاله بینش های جدیدی را برای بررسی سبک های زندگی پایدار فراهم می کند که درک ما را از چگونگی اقدامات انجام شده در کارهای روزمره و توسط گروه های مختلف سبک زندگی برای کمک به محیط زیست، افزایش می دهد. بر این اساس، این مقاله در بردارنده بینش های جدیدی در مورد استفاده بالقوه از گروه های سبک زندگی به عنوان ابزاری برای تغییر رفتار برای دانشگاهیان و سیاست گذاران است.

ایوانز و جکسون (۲۰۰۷) در مقاله ای با نام «به سوی جامعه شناسی سبک های زندگی پایدار»، تلاش کرده اند در قالب یک بررسی علمی ضمن ارائه تعریف جامعه شناختی از سبک های زندگی پایدار نشان دهند که چگونه می توانیم از مفهومی چون سبک های زندگی پایدار برای ایجاد تغییرات اجتماعی سازگار با توسعه پایدار کمک بگیریم. در این مقاله به طور خاص، این سؤال که چرا و چگونه ما می توانیم در مورد سبک زندگی در رابطه با مسئله «پایداری» فکر کنیم، مطرح شده است. برای پاسخ، روش هایی که می توان «سبک های زندگی» را در بینش جامعه شناختی تصور کرد، از طریق توسل به درک فرهنگ (خرده) فرهنگ، عادتواره، مدرنیته بازتابنده، زیبایی شناسی، هویت و مصرف در نظر گرفته می شوند. استدلال نویسندگان این است

که ما می‌توانیم سبک زندگی را به عنوان یک واحد مفهومی مناسب تصور کنیم که از طریق آن می‌توان تغییرات اجتماعی را در نظر گرفت و الگوهای پایدار مصرف را ایجاد کرد.

جینکای ۱ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای در کشور چین با عنوان «سبک زندگی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی در بین کارمندان دولت» انجام داد و نتیجه‌ای که از این مطالعه حاصل شد این بود که بین عوامل کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی با فاکتورهای سبک زندگی که شامل سیگار کشیدن، تغذیه، خواب، مصرف الکل، صبحانه، ورزش، بی‌تحركی و ساعات کار، همبستگی معنی‌داری وجود دارد؛ و سبک زندگی بر روی کیفیت زندگی کارمندان تأثیرگذار بوده است. در این تحقیق فاکتورهای سبک زندگی که در ارتباط با کیفیت زندگی بررسی شده است، بیشتر عوامل زیستی بررسی شده است و به عوامل روحی و اجتماعی توجه زیادی نشده است. درحالی‌که در بررسی سبک زندگی از نوع ارتقادهنده سلامت، تمام عوامل زیستی، اجتماعی و روانی به صورت جامع پرداخته شده است.

آکنجی و چن (۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «چارچوبی برای شکل دادن به سبک‌های زندگی پایدار: تعیین‌کننده‌ها و راهبردها» که با نظارت و حمایت دفتر توسعه اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل نوشته‌اند، ضمن ارائه تعریفی قابل قبول از سبک زندگی پایدار نشان داده‌اند که از چه راهبردهایی می‌توان کارهای صورت گرفته در این حوزه را مورد ارزیابی قرار داد. در این مقاله کاربرگ‌ها و مثال‌ها نشان می‌دهند که چگونه می‌توان از این روش‌ها برای بهبود تصمیمات مربوط به زمینه‌های اصلی سبک زندگی غذا، حمل و نقل، مسکن، کالاهای مصرفی و اوقات فراغت استفاده کرد. نویسندگان مقاله امیدوارند که این پژوهش به سیاست‌گذاران، افراد و سایر ذینفعان کمک کند تا درک کنند که یک رویکرد جامع به سبک زندگی پایدار چیست و چگونه زمینه‌های مختلف به راه حل‌های مختلف شیوه زندگی نیاز دارند.

لارنت و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌های زندگی پایدار مصرف‌کننده/مصرف پایدار»<sup>۲</sup> نشان دادند که دست‌یابی به توسعه پایدار مستلزم انتخاب سبک‌های زندگی پایدار و مصرف پایدار است. نتایج این مطالعه نشان داد که برخی از شهروندان ضمن

۱. Jincai

۲. Sustainable Consumer Lifestyles/Sustainable Consumption

توجه به آثار منفی مصرف بی‌رویه بر محیط زیستی، به منافع و علایق خودشان نیز در انتخاب سبک‌های زندگی توجه دارند و رویه‌ای را به نام «ضد مصرف» در پیش می‌گیرند، رویه‌ای که شامل کم مصرف کردن، مصرف کردن به روش دیگر و همین طور بهترین استفاده از کمترین امکانات می‌باشد. این محققان در رویه «ضد مصرف» راهبردهایی چون ساده کنندگان داوطلب، مصرف مشارکتی و رفتار تحریمی از سوی مصرف کنندگان را از هم متمایز می‌سازند. مؤلفان در نهایت خاطر نشان می‌کنند که برخی از مصرف کنندگان در حال انتخاب سبک زندگی پایدار برای کمک به یک جهان پایدارتر هستند ولی به رغم دستیابی به مصرف پایدار و اتخاذ شیوه زندگی متناوب توسط مصرف کنندگان، این انتخاب روندی پیچیده و کند به نظر می‌رسد.

### روش پژوهش

روش تحقیق در این مقاله از نوع مطالعات توصیفی، تحلیلی می‌باشد و به روش کتابخانه‌ای انجام می‌پذیرد. در بخش مبانی نظری، اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای از طریق مراجعه به کتب معتبر، مقالات علمی و در بخش یافته‌های پژوهش، داده‌ها از طریق بررسی بیانات مقام معظم رهبری گردآوری شده است. اطلاعات به دست آمده بعد از طبقه‌بندی، مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### قلمرو پژوهش

قلمرو موضوعی در پژوهش حاضر بررسی شاخص های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد. قلمرو زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۶ (آغاز انعکاس مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در بیانات معظم له) الی ۱۴۰۳ (بر اساس سخنرانی موجود از ایشان) می‌باشد. قلمرو مکانی این پژوهش محدوده جغرافیایی تحت حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

### ادبیات و مبانی نظری پژوهش

#### الگو

الگو معادل کلمه مدل در زبان انگلیسی است. مدل و الگو، طرح، معرفی یا تشریحی است که برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده

است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نظریه‌هایی با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت که باید ایجاد شود، می‌پردازد (میرمعزی، ۱۳۸۹: ۶۴-۶۵).

### پیشرفت

این واژه برابر نهاد Progress و Development است. فرهنگ فارسی معین پیشرفت را به معنای جلوتر رفتن و ارتقا معنا کرده است. مقصود ما از پیشرفت در این نوشتار "حرکت از وضعیت موجود جامعه به سمت وضع مطلوب اسلامی" است. این پیشرفت، همان رسیدن به حیات طیبه، یعنی زندگی گوارا، همراه با آسایش و آرامش و در کل سعادت دنیا و عقبی است (شاکرین، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

### اسلامی بودن الگو

اسلام، واقعیات زندگی انسان و خواسته‌ها و تمایلات او را می‌بیند، اما او را هدایت پذیر می‌داند. در این دیدگاه باید آرمان‌ها و قواعد اخلاقی و هدایت و کمال را هدف گذاری کرد و با تعریف دقیق آنها و با درک واقعیت انسان و زندگی او، برنامه‌ای واقع بینانه برای حرکت به سوی کمال طراحی کرد (خوش‌چهره و عظیمی شوشتری، ۱۳۹۳: ۴۹). در جامعه اسلامی، هم به دنیا و هم به آخرت توجه می‌شود به این معنا که راه سعادت انسان از مسیر این دنیا می‌گذرد (جمشیدیها و نوذری، ۱۳۹۰: ۳۷). در منطق اسلام، پیشرفت مادی و آنچه در دیدگاه غربی توسعه می‌نامند، مطلوب است؛ اما تنها به عنوان ابزاری برای دستیابی به هدف اصلی که همان رشد و تعالی بشری و ایده آل نامحدود الهی است. در فرایند پیشرفت باید خداپرستی، عشق به معنویت، عاطفه انسانی و محبت در انسانها تقویت شود و همه افراد جامعه نسبت به هم احساس مسئولیت کنند. چنین تحوکی که در پیوندها و نظامات اجتماعی به چنین حقایقی منتهی شود، پیشرفت مورد تأیید اسلام است (ابطحی و آرزمجو، ۱۳۹۰: ۸۹). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت الگویی مبتنی بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلامی و در چهارچوب حقوق و اخلاق اسلامی است. تفاوت در این مبانی و چهارچوب‌ها، موجب تفاوت در تبیین و تحلیل شرایط موجود و وضعیت مطلوب و راهبردها می‌شود (واعظی، ۱۳۹۰: ۷۲).

## ایرانی بودن الگو

برای اتصاف الگوی اسلامی پیشرفت به ایرانی بودن دو وجه متصور است: ۱- اتصاف این الگو به ایرانیت از این نظر است که فکر و ابتکار ایرانی آن را به دست آورده است، ۲- به لحاظ اینکه توسعه اسلامی با شرایط و ویژگی های فرهنگی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران تطبیق داده شده است، ممکن است این الگو برای سایر کشورهای اسلامی مناسب نباشد. این دو وجه منافاتی با یکدیگر ندارند بلکه مکمل هم هستند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷). ایران به لحاظ منابع طبیعی و ژئوپلیتیکی، بخش بسیار مهمی از دنیاست. در نظریه پردازی و اجرای هر برنامه توسعه و پیشرفتی باید به این مسائل جغرافیایی، بین المللی و فرهنگی توجه کرد تا در اجرای آن الگو با شکست مواجه نشویم (عشایری و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۵).

## الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

موضوع پیشرفت کشور از اهدافی است که همه دولت ها به دنبال دستیابی و تحقق آن هستند، بنابراین، رسیدن به این پیشرفت و رشد در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، علمی و سیاسی نیازمند برنامه ریزی بلندمدت است که لازمه آن داشتن الگوی مناسب است (کشتکار و رحمدل، ۱۳۹۶: ۱۴۱). تجربه نشان داده است که برای پیشرفت و رشد کشور در ابعاد مختلف، تقلید از الگوهای غربی و غیربومی، جوابگوی نیازهای جامعه ایران نیست. متفاوت بودن شرایط زمانی و مکانی هر کشور و همین طور مبتنی بودن بر مبانی فلسفی و معرفتی متفاوت، لازم است که الگویی متناسب با جامعه با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی ایران طراحی شود (اسمعیلی گیوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۲). از مسائل کلان و بسیار اساسی انقلاب اسلامی ایران که بارها توسط مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) مطرح شده، تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. این مسئله نیازمند مطالعاتی همه جانبه، ژرف و دقیق خواهد بود (شاکرین، ۱۳۹۵: ۲۷۰). در سال ۱۳۸۵ رهبر معظم انقلاب نیز طراحی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را به عنوان یک ضرورت برای کشور مطرح کردند. ناکارآمدی الگوهای توسعه غربی و نیاز کشور به الگوی پیشرفت بومی و وجود ظرفیتهای بالایی که در کشور برای رشد، توسعه و پیشرفت وجود دارد، از دلایل طرح این موضوع از سوی ایشان بوده است. (نظری و عیوضی، ۱۳۹۶: ۱۸). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عبارت است از "نسخه ای راهبردی که

مولفه های جهان بینی حاکم بر تمدن اسلامی ایرانی را ارائه می دهد. به عبارت دیگر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مدلی از خرد و اندیشه های ایرانی می باشد که برای رسیدن به آرمان اسلامی " (سنچولی، ۱۳۹۲: ۸۱). در نظریه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در تاسیس مفهوم الگوی بومی پیشرفت، سازگاری اسلام با پیشرفت و معرفی اسلام به عنوان مبنای پیشرفت و تفاوت مفهوم پیشرفت با توسعه است. در این دیدگاه بروز شکاف طبقاتی، تحمیل حاکمیت، انحطاط اخلاقی، دوری از معنویت، نبود امنیت اخلاقی و اجتماعی، نظامهای اجتماعی ناموفق، نبود عدالت اجتماعی، آزادی بیان واقعی و مردم سالاری واقعی از پیامدهای الگوی غربی توسعه هستند (عبدالملکی، ۱۳۹۱: ۲۲). با طرح مبحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از سوی مقام معظم رهبری، مراکز مختلفی همچون مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سازمان مدیریت و برنامه ریزی و شورای راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به امر تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مشغول هستند (مختاریان پور، ۱۳۹۵: ۱۱).

#### اهمیت و جایگاه فرهنگ در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

فرهنگ، مجموعه ای هماهنگ از دانش ها، باورها، ارزش ها و هنجارهای انسانی است که به صورت نمادهای گوناگون در عرصه های سخت افزاری اجتماع انسان و امور مربوط به تمدن ظهور می یابد و به نسل های بعدی منتقل می شود. اگر این مجموعه، برگرفته از روش عقلی و متون دینی و اسلامی باشد، فرهنگ اصیل و معتبر نامیده می شود و در غیر این صورت، ضد فرهنگ و غیراصیل و نامعتبر شناخته می شود (رحمانی تیرکلایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۲). وقتی فرهنگ را مجموعه باورها، احساسات، عواطف و سنت های حاکم بر جامعه بدانیم، به طور طبیعی هر کشوری از جمله ایران در همه اجزای فرهنگی خود متفاوت از سایر جامعه هاست. تفاوت در فرهنگ ها، تفاوت در آرمان ها و مطلوب ها و رفتارها را شکل می دهد و انتظارات از الگوی توسعه را متاثر می کند. از سوی دیگر طراحی الگوی توسعه ممکن نیست بدون توجه به ویژگی های فرهنگی جامعه باشد، چرا که در این صورت ضریب اطمینان تحقق اهداف آن به نحو چشم گیری کاهش خواهد یافت (سلیمی فر، ۱۳۸۹: ۵۶). از این رو فرهنگ باید در صدر اولویت های تدوین و طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت قرار گیرد زیرا: توسعه مجرای واقعی تحقق آرمان ها، امیال و خواسته های جوامع بشری است.

توسعه مطلوب در گرو رشد همزمانی در زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.

سیر تکاملی رشد جوامع نسبت به شرایط و امکانات کشورها متفاوت است. هر کشوری گونه های رشد خود را بر اساس ارزش های شناخته شده اش سازماندهی می کند و توسعه را بر آن اساس سامان می دهد.

ارزش ها مجموعه باورهایی است که افراد به وسیله میراث ملی، آموزش و پرورش انتقالی، کسب تجارب دیگران، رهیافت های خود و تجاربی که از رهگذر آموزش و عمل بدان می رسند، خود به آن ها غنا می بخشند و از دیگران متمایز می سازند (مظاهری و کافی، ۱۳۹۴: ۱۳۸).

علت العلل فقدان الگو یا نقشه عملیاتی برای پیشرفت و توسعه به سبک و سیاق اسلامی- ایرانی به رغم برخورداری از جامعه اسلامی ایران از فرهنگ والای مبتنی بر متون اولیه اسلامی (اعم از آیات و روایت ها و سیره امامان معصوم؛ و بعضاً سابقه کهن تمدنی)، این است که فرهنگ آرمانی آنان به فرهنگ واقعی که در صحنه واقعی اجتماع ظهور و بروز داشته باشد تبدیل نشده است. نخبگان فکری و اجرایی مؤثر کشور همچنان در محیط خصوصی و عمومی و با فرهنگی زندگی می کنند که ضرورتاً ارتباطی با فرهنگ آرمانی مورد نظر اسلام ندارد. از این رو تکیه و برجسته سازی داشته های فرهنگ آرمانی در منابع اصلی اسلامی و ایرانی به عنوان محرک اصلی توسعه و البته قابل مقایسه با برخی داشته ها و دلالت های فرهنگی کشورهای که الگوی توسعه را به صورت درون زاد و خودجوش طراحی و اجرا کرده اند همواره می تواند به عنوان نقطه امیدی روشن و کورسویی ترسیم شود تا با احیای فرهنگ آرمانی اسلامی خود و رجعت به آن، در نیل به زندگی مطلوب و شایسته در چارچوب طراحی الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت و تعالی امیدوار بود (رحیمی و حسینی، ۱۳۹۹: ۸۴-۸۵).

### الزامات الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت

الگوی پیشرفت منتج از نظریه توسعه است که آن نیز به نوبه خود برگرفته از دیدگاه اسلام در مورد مسائل اصلی جهان است. همچنین الگوی پیشرفت به منظور قابلیت اجرا پیدا کردن، به شکل برنامه های توسعه اقتصادی در ظرف مکانی ایران است. این امور موجب می شود که الگوی

پیشرفت اسلامی با الزامات و ضرورت‌هایی مواجه باشد. در این قسمت به برخی از این ضرورت‌ها اشاره می‌شود:

الزامات اجتماعی: تقویت مناسبات اجتماعی، روابط خانوادگی و نهادهای اجتماعی ایرانی اسلامی.

الزامات سیاسی: ارتباط ارگانیک الگوی پیشرفت اقتصادی با نظام سیاسی، مشارکت مردم در فعالیت‌ها، جایگاه و سطح مشارکت مردم در فعالیت‌های سیاسی.

الزامات نهادی: طراحی نهادهای تسهیل‌کننده فعالیت‌های اقتصادی مانند نهاد دولت، بازار و قانون.

الزامات اقتصادی: طراحی نظام انگیزشی فعالیت‌های اقتصادی از طریق تسهیل فعالیت‌ها و تشویق کارآفرینی.

الزامات علمی: طراحی نظام خلق و انتشار دانش، نوآوری و به‌کارگیری آن در عرصه فعالیت‌های اقتصادی.

الزامات اسناد فرادست: الگوی مورد بحث باید هم‌راستا با اسناد فرادست کشور مانند قانون اساسی و غیره باشد.

الزامات فرهنگی: تعیین و ارتقا جایگاه باورها، آداب و سنن اسلامی-ایرانی و غیره (قریبی، ۱۳۹۲: ۱۴۴۵).

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف تحقیق؛ کاربردی است. این نوع پژوهش به منظور بهبود رفتارها، روش‌ها، ابزارها، وسایل، تولیدات، ساختارها و الگوهای مورداستفاده جوامع انسانی انجام می‌گیرد. این پژوهش از نتایج تحقیقات بنیادی کمک می‌گیرد و هدف آن توسعه دانش کاربردی (کاربرد علمی دانش) در یک زمینه خاص است. بنیاد روش‌شناختی تحقیق حاضر بر «روش کتابخانه‌ای» و «روش میدانی-پرسشنامه» بنا شده است. در تحقیق حاضر هم‌تلاش می‌گردد تا یک مسئله پژوهشی (بررسی دانش و آگاهی شهروندی به عنوان یکی از شاخص‌های الگوی

اسلامی ایرانی پیشرفت) واقعی که وجود دارد، طی یک فرایند پژوهشی (توصیفی) پاسخ داده شود. روش تحقیق برحسب هدف کاربردی، از نظر ماهیت توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شهروندان تهرانی، منطقه ۱۸، ناحیه ۵ می باشد که بر اساس آمار رسمی ناحیه شهرداری جمعیت ۲۵/۰۰۰ نفر و تعداد خانوار ۸۳۰۰ خانوار می باشد و برای تعیین حجم نمونه از جدول برآورد حجم نمونه مورگان و یا فرمولهای مختص تعیین حجم نمونه استفاده می کنیم و حجم نمونه را تعداد ۱۱۵ خانوار انتخاب شد. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. این روش در صورتی که فهرست کامل افراد جامعه مورد مطالعه در دسترس نباشد می توان افراد جامعه را در دسته‌هایی خوشه بندی کرد سپس از میان خوشه‌ها نمونه‌گیری به عمل آورد. در بین ۱۱۵ نفر پرسشنامه توزیع گردید که از این تعداد ۱۱۰ نفر پرسشنامه را تکمیل شده عودت دادند که ۵ نفر به دلایل مختلف از جمله تاخیر بیش از حد جواب ندادند و در نهایت ۱۱۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### یافته های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور شناخت و درک عمیق‌تر تأثیر دانش شهروندی و مسئولیت‌پذیری بر تحقق سبک زندگی توسعه محور، بررسی صحت فرضیات از اهمیت خاصی برخوردار است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، تکنیک‌ها و روش‌های گوناگون آماری نقش به‌سزایی در استنتاج و تعمیم‌ها به عهده‌دارند. یکی از مباحث جدی و کاربردی در بیشتر نظام‌های برنامه‌ریزی شناخت و درک نظرات شهروندان در راستای کارایی بهتر طرح‌های اجرایی و مدیریت مسائل شهری می‌باشد. در واقع شناخت و تحلیل نظرات شهروندان، چارچوب مؤثری را برای آگاهی از وضعیت موجود شهر یا منطقه و همچنین کمک به روند تصمیم‌سازی برای مسئولان مربوطه می‌باشد.

این فصل حاوی سه قسمت است: ۱- نتایج توصیفی پژوهش ۲- نتایج تحلیل دو متغیره ۳- نتایج تحلیل چند متغیره پژوهش. در قسمت اول، نتایج مربوط به متغیرها و گویه‌های آنها پرداخته می‌شود، در قسمت دوم، نیز نتایج آزمون فرضیه‌ها (نتایج تحلیل دو متغیره) را در

برمی‌گیرد. بخش آخر این فصل به پردازش مدل‌های رگرسیونی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش اختصاص دارد، سرانجام یک جمع‌بندی از نتایج آزمون فرضیه‌ها در یک جدول به‌طور خلاصه‌وار اشاره می‌گردد.

### ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ‌گویان

۴-۲-۱: توزیع فراوانی تعداد پاسخگویان مناطق منتخب

جدول ۴-۱: توزیع فراوانی تعداد پاسخگویان در مناطق منتخب

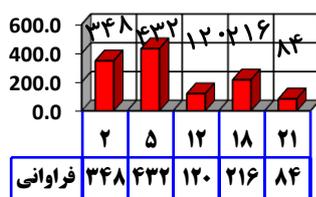
منطقه	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی جمعی
۲	۳۴۸	۲۹	۲۹
۵	۴۳۲	۳۵.۹	۶۴.۹
۱۲	۱۲۰	۱۰.۱	۷۵
۱۸	۲۱۶	۱۸	۹۳
۲۱	۸۴	۷	۱۰۰
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰	

در جدول شماره ۴-۱- نشان می‌دهد، با توجه به توضیحات در فصل سوم تعداد پاسخگویان بعد از آزمون کوکران تعداد ۱۲۰۰ نفر که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ و نسبت توزیع جمعیت در سطح مناطق موردپژوهش تعیین شد. بیشتر پاسخگویان با فراوانی (۳۵.۹) درصد یعنی ۴۳۲ نفر، از منطقه ۵ احصاء گردیده و بعدازآن منطقه ۲ با (۲۹) درصد فراوانی به تعداد ۳۴۸ نفر می‌باشد، منطقه ۲۱ با فراوانی (۷) درصد با توجه به جمعیت سطح منطقه و حذف محدوده حریم کمترین پاسخ‌دهندگان را داشته است.

نمودار ۴-۱: توزیع فراوانی تعداد پاسخگویان در مناطق منتخب

۴-۲-۲: ویژگی‌های فردی پاسخگویان

۴-۲-۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

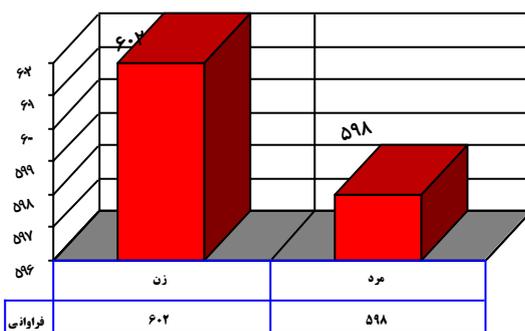


جدول ۴-۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

جنس	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
زن	۶۰۲	۵۰.۲	۵۰.۲
مرد	۵۹۸	۴۹.۸	۱۰۰
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰	

در جدول شماره ۴-۲- نشان می‌دهد، پاسخگویان از نظر جنس با میزان فراوانی تقریباً یکسانی برخوردارند. بدین ترتیب که پاسخگویان زن با فراوانی (۵۰.۲٪) یعنی ۶۰۲ نفر و پاسخگویان مرد با فراوانی (۴۹.۸٪) یعنی ۵۹۸ نفر پاسخ داده‌اند.

نمودار ۴-۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت



رشد و توسعه اهداف دائمی جوامع مختلف است. اما یک سؤال وجود دارد: چگونه می‌توانیم به توسعه دسترسی پیدا کنیم؟ در دهه‌های اخیر، بحث توسعه اقتصادی در بیشتر جوامع علمی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و توجه بیشتری به موضوع مصرف صورت گرفته است. از این رو اندیشمندان معتقدند که یک محتوای عالی به نام «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» هر سه عامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی را پوشش می‌دهد. این محتوا الگوی زندگی ایجاد شده توسط افراد، گروه‌ها، دولت‌ها و جوامع را فراهم می‌کند. بدیهی است که شهروندان آگاه و دارای مهارت‌های مناسب می‌توانند به عنوان عاملان تغییر اجتماعی عمل کرده و جامعه را به سمت توسعه متوازن سوق دهند. بدین ترتیب، موضوع آگاهی شهروندان، امروزه مسئله مهمی است که در جامعه و خصوصاً جامعه‌اماری که محدود به شهر تهران می‌باشد را شامل می‌شود. در بحث آگاهی شهروندان به وضوح مشخص است که آنچه نیاز امروز بشر در اجتماع می‌باشد، همین آگاهی داشتن در جوانب مختلف شهروندی است.

اما یکی از مفاهیمی که ضمن ارتباط تنگاتنگ با سبک زندگی، تأثیر به‌سزایی از آن می‌پذیرد مفهوم «توسعه» است. از این رو مطالعه حاضر رابطه آگاهی شهروندی و مسئولیت‌پذیری را به عنوان یکی از جنبه‌های مهم تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در بین شهروندان مورد بررسی قرار داد. همان‌طور که قبلاً ذکر شد دغدغه و سؤال ما در این پژوهش آن بود که «بررسی دانش و آگاهی شهروندی به عنوان یکی از شاخص‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به چه میزان است»

این پژوهش از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که با استفاده از روش پیمایش (نوع مقطعی آن) صورت گرفته است. جامعه آماری این تحقیق شامل شهروندان ۵ منطقه شهر تهران می‌باشد که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۲۰۰ نفر (۵۹۳ مرد و ۶۰۷ زن) تعیین شده و شیوه نمونه‌گیری نیز به صورت چند مرحله‌ای طبقه‌ای غیر متناسب بوده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است.

به منظور تعیین روایی ابزار تحقیق، از روش روایی صوری و مشاوره اساتید، صاحب نظران، محققین جامعه‌شناسی که در این زمینه آگاهی داشتند استفاده شد و پس از تأیید و تجزیه و تحلیل سؤالات توسط صاحب نظران، پرسشنامه طراحی و در مرحله بعدی برای سنجش ابزار

تحقیق بین ۲۰۰ نفر از شهروندان و اساتید خبره مورد آزمایش قرار گرفت، بر اساس پیش آزمون انجام شده مقدار آلفای کرونباخ برای آگاهی شهروندی ۰.۷۱ و برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۰.۸۱ به دست آمد که در سطح قابل قبول و مناسبی می باشد. پس از جمع آوری اطلاعات و داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و نرم افزار لیزرل (LISREL) در دو سطح توصیفی و استنباطی به تجزیه و تحلیل داده ها به دست آمده پرداخته شد.

یافته های توصیفی بدست آمده از کل منطقه مورد پژوهش، بیشترین تعداد پاسخگویان بین سنین ۳۵-۳۹ سال یعنی با (۱۸.۶) درصد فراوانی قرار گرفته اند و کمترین تعداد پاسخگویان با فراوانی (۰.۳) درصد می باشند. (۸۳.۰) درصد پاسخگویان کمتر از ۵۰ سال دارند. بیشترین سطح سواد پاسخگویان با فراوانی (۳۰.۸) درصد دارای مدرک لیسانس می باشد. دکتری کمترین درصد فراوانی یعنی (۳.۶) درصد می باشد. میانگین تحصیلات اظهار شده (۳.۲۱) است که نزدیک به فوق دیپلم می باشد. از نظر شغلی بیشتر پاسخگویان کارمند با (۳۶.۶) درصد فراوانی و بعد از آن با (۲۹.۲) درصد فراوانی شغل خود را سایر اعلام نموده اند و کمترین تعداد پاسخگویان بیکار با (۲.۸) درصد فراوانی می باشند. بیشترین پاسخگویان یعنی ۳۰۸ نفر با فراوانی (۲۵.۸) درصد اظهار داشتند که فاقد درآمد می باشند و بعد از آن تعداد ۱۷۳ نفر با فراوانی (۱۴.۵) درصد درآمد خود را بین ۲.۱۰۰ تا ۳ میلیون تومان و تعداد ۵۸ نفر با فراوانی (۴.۹) درصد درآمد بین ۷.۱۰۰ تا ۸ میلیون تومان اعلام نمودند. بدین ترتیب بیش از نیمی از جامعه آماری یعنی (۵۹.۵) درصد دارای درآمد تا ۴ میلیون تومان و کمتر از نیمی دیگر با فراوانی (۴۰.۵) درصد دارای درآمد بالای ۴ میلیون تومان می باشند.

پاسخگویان با (۷۰.۲) درصد فراوانی متأهل و (۲۵.۳) درصد فراوانی مجرد می باشد. کمترین پاسخگویان با (۴.۴) درصد فراوانی افراد سایر (مطلقه و ...) می باشند، پاسخ داده اند.

بیشترین پاسخگویان با فراوانی (۳۶.۷) درصد فاقد فرزند می باشند که از این تعداد ۳۰۴ نفر مجرد می باشند و بعد از آن پاسخگویانی که با فراوانی (۲۶.۳) درصد دارای دو فرزند و بعد از آن پاسخگویان دارای یک فرزند با فراوانی (۱۸.۳) درصد می باشند. کمترین فراوانی با (۰.۲) درصد مربوط به ۶ فرزند و بالاتر می باشد. دامنه تغییرات از فاقد فرزند تا ۷ فرزند در نوسان است و متوسط تعداد فرزندان با (۱.۳۴) بوده است، میانه برابر با ۱.۰۰ و نما نیز صفر می باشد که نشان

می‌دهد بیش از نیمی از جامعه آماری یعنی (۵۵.۰) درصد فاقد فرزند و یا یک فرزند می‌باشند و کمتر از نیمی دیگر یعنی (۴۵.۰) درصد جامعه آماری داری دو فرزند و بیشتر می‌باشند. بیشترین پاسخگویان یعنی ۶۵۳ نفر با فراوانی (۵۴.۴) درصد اظهار داشته‌اند که دارای مسکن ملکی می‌باشند و بعد از آن تعداد ۳۸۰ نفر با فراوانی (۳۱.۷) درصد مسکن خود را استیجاری و بعد از آن وضعیت مسکن سایر با فراوانی (۱۱.۲) درصد که عمدتاً مربوط به پاسخگویان مجرد می‌باشد که در منزل پدری سکونت دارند و همین طور مسکن سازمانی با (۲.۴) درصد فراوانی و در نهایت کمترین تعداد پاسخگویان مربوط به مسکن وقفی با فراوانی (۰.۲) درصد می‌باشد. بیشترین پاسخگویان با فراوانی (۲۵.۸) درصد یعنی ۸۵۵ نفر دارای خوددور و تعداد ۱۴۳ نفر با فراوانی (۶.۶) درصد دارای موتور سیکلت می‌باشند و تعداد ۲۰۰ نفر با فراوانی (۱۴.۵) درصد اظهار نمودند که وسیله نقلیه ندارند. بیشتر پاسخگویان با (۳۴.۱) درصد فراوانی دارای همسر شاغل و بعد از آن (۲۸.۷) درصد فراوانی دارای همسر بیکار و خانه داری با فراوانی (۲۸) درصد و شغل آزاد با (۴.۲) درصد فراوانی و بازنشسته با (۳.۶) درصد فراوانی و کمترین تعداد پاسخگویان با (۰.۴) درصد فراوانی می‌باشد. بیشترین سطح سواد همسر پاسخگویان با فراوانی (۲۰.۵) درصد دارای مدرک دیپلم و با اختلاف کمی با فراوانی (۲۰.۳) درصد دارای لیسانس، کمترین درصد فراوانی یعنی (۳.۳) درصد مربوط به تحصیلات دکتری می‌باشد. میانگین تحصیلات اظهار شده با فراوانی (۲.۲۶) درصد یعنی حدود دیپلم است. میانه (۲) می‌باشد. البته لازم بذکر است فراوانی (۲۷.۸) درصد که فاقد جواب ذکر شده مربوط به مجردها می‌باشد که در این جا به عنوان بی‌جواب ذکر شده است. با بررسی آمار پاسخگویان نزدیک به نیمی یعنی (۴۹.۶) درصد دارای مدرک لیسانس، دیپلم و سیکل می‌باشند و (۱۲) درصد داری مدرک فوق لیسانس و دکتری می‌باشند. جامعه مورد بررسی از لحاظ تحصیلات و سواد تقریباً دارای توزیع نرمال می‌باشد. پاسخگویان با فراوانی (۴۱.۵) درصد تا ۵ سال از زندگی مشترک می‌گذرد و در ادامه با فراوانی (۱۳.۹) درصد ۶ تا ۱۰ سال از زندگی مشترک را سپری نموده‌اند. بیش از نیمی از پاسخگویان یعنی با فراوانی (۵۵.۴) درصد تا ۱۰ سال از زندگی مشترک سپری شده و کمترین فراوانی با (۰.۳) درصد مربوط به ۵۱ سال به بالا می‌باشد و (۰.۹) درصد بین ۴۶ تا ۵۰ سال را به خود اختصاص می‌دهد. میانگین (۱۲.۲۶)، میانه (۹) و دامنه تغییرات بین ۰ تا ۶۳ می‌باشد.

## بحث و نتیجه گیری

بررسی روند تاریخی و تأثیرگذاری الگوهای غربی توسعه نشان می‌دهد که این الگوها نقش مهمی در جهت دهی به رویکرد کشورهای مختلف به خصوص کشورهای اسلامی ایفا کرده‌اند؛ به نحوی که کشورهای استفاده کننده از الگوهای غربی توسعه به نوعی وابسته به قدرت‌های بزرگی بوده‌اند که این الگوها را ابداع و حمایت کرده‌اند. در این میان با توجه به تأثیری که الگوهای غربی توسعه بر کشورهای اسلامی گذاشته‌اند، طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت توسط مقام معظم رهبری موجب توجه به ابعاد خارجی و کاربرد آن در حوزه جهان اسلام نیز شده است؛ زیرا چنین الگویی با توجه به اهداف متعالی انقلاب اسلامی نمی‌تواند صرفاً متوجه داخل کشور باشد (شعیب، ۱۳۹۷: ۶۷). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در پی تبیین هدف‌ها و راهبردهای پیشرفت بر اساس احکام و آموزه‌های اسلامی و مطابق با شرایط ایران است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یک الگوی نظری با کارکرد هنجاری است، یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت می‌پردازد (عبدی و نادری، ۱۳۹۸: ۲۱). از آنجا که مفهوم توسعه با اهداف انقلاب اسلامی هماهنگی ندارد، با طرح این الگو بخشی نوین از انقلاب اسلامی در دهه چهارم حیات انقلاب برای جامعه ایرانی، کشور از الگوهای غربی در قالب توسعه بی‌نیاز خواهد شد؛ به طوری که تلاش شده است با ترسیم الگوی ترکیبی بومی شده و برگرفته از ایدئولوژی اسلامی - ایرانی و تجدیدبندی شده مدرنیته، آن را با بافت و فرهنگ بومی و سنتی ایران سازگار کنند (مطهری خوشینانی و ایزدی، ۱۳۹۸: ۵۵). از آنجایی که چنین مبحثی نخستین بار در منظومه فکری مقام معظم رهبری تبلور یافته است، تبیین شاخص های این الگو از منظر ایشان امری ضروری به نظر می‌رسد. نگارندگان در این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی، مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی بیانات مقام معظم رهبری پیرامون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، درصدد پاسخگویی به سوال پژوهش که عبارت است از "بررسی دانش و آگاهی شهروندی به عنوان یکی از شاخص های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کدامند؟"، برآمده‌اند. در این راستا، ابتدا بیانات ایشان با کلید واژه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جمع‌آوری گردید و در ادامه شاخص های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت استخراج شد و به نمایش درآمد. بر این اساس مهمترین شاخص های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عبارتند از: یکی از مسائل کلان

کشور و یک سند بالادستی نسبت به همه‌ی اسناد برنامه‌ای کشور، نیازمند تعریف شفاف و ضابطه مند و نیازمند ایجاد باور همگانی بین نخبگان و مردم، تهیه بر اساس ظرفیت های بومی و طراحی الگو توسط متفکران ایرانی، تکیه بر فرهنگ ایرانی، ایران زمینه‌ی تحقق این الگو، عدم تطبیق الگو با مسیر پیشرفت غربی، تضمین کننده‌ی استقلال کشور، الگویی مرکب از ایمان و علم و عدل، تنظیم و تدوین علمی، زمینه ساز رشد و بالندگی انسانها، مفهوم پیشرفت در مقابل توسعه در غرب، تفاوت مفهوم پیشرفت در الگو با تعریف مادی غرب، برخورداری از قوت و مقاومت علمی در برابر نظرات معارض و مخالف، توجه توأمان به آرمان‌ها و واقعیات، توجه داشتن به مسئله توحید، توجه به تفاوت انسان اسلامی با انسان در فلسفه غرب، توجه داشتن به عدم تفکیک دنیا و آخرت، توجه داشتن به مسئله معاد، توجه داشتن به مسئله عدالت، جوان به عنوان نیروی محرکه الگو و الگویی مستقل ایرانی و برخاسته‌ی از معنویات و نیاز کشور.

## منابع:

### منابع فارسی

۱. آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد (۱۳۷۶). فرهنگ علوم سیاسی، ویرایش سوم، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۲. ----- (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبایی.
۳. ابراهیمی لویه، عادل و میرزائی راجعونی، سلیمان؛ عابدیان شهرکی، نازیلا (۱۳۹۷). فرهنگ اصطلاحات تخصصی دو زبانه علوم اجتماعی، تهران: نشر لویه.
۴. احمدی، ابوالفضل (۱۳۹۳). سبک زندگی اسلامی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۵. احمدی، سید احمد و علی رضائی (۱۳۸۶). «تأثیر آموزش مسئولیت پذیری به شیوه گلاسبر بر کاهش بحران هویت دانش آموزان متوسطه اصفهان»، دو فصلنامه پژوهش‌های تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، پاییز و زمستان.
۶. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر کلمه.
۷. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
۸. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
۹. استونز، راب (۱۳۸۳). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، تهران: نشر مرکز.
۱۰. ایمان، محمدتقی و ندا مرحمتی (۱۳۹۳). «تبیین جامعه‌شناختی گرایش جوانان به سبک زندگی مدرن در شهر شیراز»، جامعه‌شناسی کاربردی سال بیست و پنجم پاییز ۱۳۹۳ شماره ۳ (پیاپی ۵۵).
۱۱. آذرشب، معصومه و میر مرادی، عیسی (۱۳۹۳). «شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه در هزاره سوم»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کنول، صفحه ۱-۱۲.
۱۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). الگوهای سبک زندگی در ایران، مجموعه مقالات، سمینار الگوهای سبک زندگی ایرانیان، چاپ اول، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۱۳. آشتیانی، م. فتحی و اجارگاه، ک. یمنی دوزی سرخابی، م (۱۳۸۵). «لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی در برنامه درسی برای تدریس در دوره دبستان». فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷.

۱۴. باینگانی، بهمن، سید فهیم ایراندوست، سینا احمدی (۱۳۹۲)، «سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی: مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷۷، صفحات ۵۶ تا ۷۵.
۱۵. بیی، ارل (۱۳۸۷)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۸۷.
۱۶. بدیع، برتران (۱۳۷۹)، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران: قومس.
۱۷. بشیری، حسین (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.
۱۸. بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۹)، نظریه کنش (دلایل عملی و انتخاب عقلانی)، ترجمه مرتضی مردیها، چاپ دوم، تهران: نشر نقش و نگار.
۱۹. تودارو، مایکل (۱۳۶۶)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: نشر کوهسار.
۲۰. تهرانیان، مجید (۱۳۷۶)، ارتباطات و توسعه، ترجمه هادی خانیکی، جزوه درسی.
۲۱. جلالی‌پور، حمید رضا و محمدی، جمال (۱۳۸۷)، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
۲۲. چانی، دیوید، (۱۳۷۸)، سبک زندگی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۳. حاجی هاشمی، سعید (۱۳۸۴)، توسعه و توسعه نیافتگی: کلیات، اصول و ابعاد (با تأکید بر متد تفکر در توسعه)، تهران: گفتمان اندیشه معاصر.
۲۴. حسینی، محمد (۱۳۹۵)، «میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان بوکان» مقاله ارائه شده به کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم اجتماعی، دبی - امارات، ۲۰۱۶.
۲۵. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۲)، روش تحقیق (با رویکردی به پایان نامه نویسی)، تهران: انتشارات بازتاب.
۲۶. خورشیدی زگلوچه، رضا، حبیب پور گتایی، کرم، کرم پور، روزا (۱۳۹۷)، «تعامل بین سبک زندگی پایدار و توسعه پایدار خانواده‌های روستایی»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هجدهم، بهار ۹۷، شماره ۶۸، صفحات ۲۶۱ تا ۲۹۷.
۲۷. دلاور، علی (۱۳۷۴)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: رشد.
۲۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغت نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۲۹. راستمی، احسان و اردشیرزاده، مرجان (۱۳۹۲)، «نگاهی به نظریه های سبک زندگی»، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال دوم، شماره ۳، صفحه ۹ - ۳۱.
۳۰. راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست: مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی، صبوری؛ منوچهر، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۳۱. رجبزاده، احمد (۱۳۷۸)، جامعه شناسی توسعه، تهران: نشر سلمان.
۳۲. زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۹۳)، توسعه و نابرابری، تهران: مازیار.
۳۳. ژانوسکی، توماس و دیگران (۱۳۹۶)، «درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی»، ترجمه نوذر نظری، تهران: نشر مخاطب.
۳۴. سازمان ثبت احوال کشور، سالنامه آمارهای جمعیتی، ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷.
۳۵. ساعی ارسی، ایرج و معصومه احمدی (۱۳۹۶)، «تأثیر طبقه اجتماعی در میزان آگاهی از حقوق شهروند (مطالعه موردی شهر بوشهر)»، مجله علوم رفتاری، شماره ۳۲، تابستان.
۳۶. ساعی، احمد (۱۳۸۴)، توسعه در مکاتب متعارض، تهران: قومس.
۳۷. سبحانی نژاد، مهدی، حسن نجفی (۱۳۹۳)، «تحلیل ابعادشناسانه مسئولیت پذیری در سبک زندگی اسلامی»، سراج منیر، سال پنجم، پاییز، شماره ۱۶.
۳۸. سرواس، جان (۱۳۸۴)، دگرگونی در نظریه های ارتباطات و توسعه و پیامدهای آن در سیاستگذاری و برنامه ریزی ارتباطی، فصلنامه رسانه، زمستان، شماره ۶۴.
۳۹. سروش، مریم (۱۳۹۰) «احساس مسوولیت فردی و اجتماعی، دیگرخواهی و اعتماد اجتماعی مطالعه نوجوانان شیراز»، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، دانشگاه اصفهان، دوره ۲۳، شماره دو (پیاپی ۴۶) تابستان.
۴۰. سفیری، خدیجه و مریم صادقی (۱۳۸۸)، «مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده های علوم اجتماعی دانشگاه های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۰، شماره پیاپی ۳۴، ش ۲، تابستان.
۴۱. سن، آمارتیا (۱۳۸۳)، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران: انتشارات دستان.
۴۲. سو، آلوین (۱۳۷۸)، تغییر اجتماعی و توسعه؛ ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۴۳. سوری، احمد و ذبیح اله کرم (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه ابعاد مسئولیت پذیری با عملکرد فرماندهان کوپ استان اردبیل»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال نهم، شماره چهارم، زمستان.
۴۴. شویره کریاستین، فونتن اولیویه (۱۳۸۵)، واژگان بورديو، ترجمه مرتضی کتبی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۴۵. شیانی، م. (۱۳۸۱)، «شهروندی و رفاه اجتماعی» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۴.
۴۶. صالحی، صادق و زهرا پازوکی نژاد (۱۳۹۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی سبک زندگی پایدار در بین دانشجویان»، آموزش عالی ایران، زمستان و بهار، شماره ۲۹ علمی- پژوهشی.
۴۷. صیامی، زهرا (۱۳۸۱)، چرا صنعتی نشدیم؟، تهران: امیرکبیر.
۴۸. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۴)، «تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی» رساله دکتری جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۴۹. طالبی، ابوتراب، یوسف خوش بین (۱۳۹۱)، «مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۹، شماره ۵۹، زمستان، صفحات ۲۱۶ تا ۲۴۹.
۵۰. عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۸)، «بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۸، شماره ۲۸، شماره پیاپی ۵۸، بهار.
۵۱. عظیمی آرانی، حسین (۱۳۸۳)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
۵۲. عزیزاده، عبدالرحمن (۱۳۸۴)، «ارتباطات و توسعه پایدار»، فصلنامه رسانه، سال شانزدهم، شماره ۴.
۵۳. عیوضی، محمدرحیم، کریمی، غلامرضا (۱۳۹۰)، «مشارکت اجتماعی زنان؛ رویکردی اسلامی»، مجله: دانش سیاسی، سال هفتم پاییز و زمستان ۱۳۹۰ شماره ۲ (پیاپی ۱۴).
۵۴. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی. تهران: انتشارات لویه.
۵۵. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم: انتشارات صبح صادق.
۵۶. فالکس، کیث (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
۵۷. فتحی، سروش و مختارپور، مهدی، (۱۳۹۳)، «بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی» (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۲، صفحه ۱۰۱ - ۱۱۸.
۵۸. فکوهی، ناصر (۱۳۷۹)، از فرهنگ تا توسعه: توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تهران: فردوس.

۵۹. قربانی، شهرزاد (۱۳۹۱)، «رواج بی‌تعهدی و بی‌مسئولیتی در جامعه»، تهران، ماهنامه سپید دانایی، شماره ۵۵.
۶۰. قیصری، نوراله (۱۳۹۸)، «مشارکت اجتماعی؛ معناکاوی یک مفهوم راهبردی» فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا / سال چهارم / شماره یازدهم، بهار ۱۳۹۸، صفحات ۳۱ تا ۵۹.
۶۱. کاویانی، محمد، (۱۳۹۱)، «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن»، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶۲. کرایب، یان (۱۳۹۳)، نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، تهران: آگه.
۶۳. کشاورز، صدیقه، زهرا قادری، لادن معین (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه سبک زندگی و امید به زندگی با بهزیستی روانشناختی سالمندان آموزش و پرورش شهرستان داراب»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مرودشت.
۶۴. کلانتری، خلیل (۱۳۷۷)، «مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مرداد و شهریور، دوره ۱۲، شماره ۱۳۲-۱۳۱، از صفحه ۲۰۸ تا صفحه ۲۱۳.
۶۵. کلدی، علیرضا و نگار پوردهناد (۱۳۹۱)، «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران»، مطالعات شهری، سال دوم، پاییز، شماره ۴.
۶۶. کوزر، لوئیس (۱۳۸۵)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی و فرهنگی.
۶۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۶۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۶۹. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۷۰. لغتویچ، آدریان (۱۳۷۸)، دموکراسی و توسعه، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
۷۱. لمرت، چارلز (۱۳۹۹)، نظریه اجتماعی: قرائت‌های چندفرهنگی، جهانی و کلاسیک، ترجمه سلیمان میرزائی راجعونی، عادل ابراهیمی لویه، تهران: نشر لویه.
۷۲. لهسایبی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۷۳. مجدی، علی اکبر (۱۳۸۹)، بررسی سبک زندگی جوانان ۲۹-۱۵ ساله ساکن در شهر مشهد، رساله دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷۴. محسنی، مرتضی، حیدر جانعلی‌زاده، لیلا رکابدار (۱۳۹۲)، «ماهیت و جایگاه انواع مشارکت اجتماعی در ضرب‌المثل‌های داستان نامه بهمنیاری» فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره دوم، شماره ۱، تابستان.
۷۵. محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی، تهران: کتابخانه طهوری.
۷۶. محلاتی، صلاح‌الدین (۱۳۷۸)، «سنخنی پیرامون توسعه»، مجله شناخت، شماره ۲۶، پاییز و زمستان، صفحات ۱۰۲ تا ۱۱۴.
۷۷. محمدزاده، پرویز و محمود متوسلی (۱۳۹۸)، «بررسی تأثیر خلاقیت بر توسعه اقتصادی ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران»، سال بیست و چهارم، شماره ۷۸، صفحات ۶۱ تا ۹۱.
۷۸. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵.
۷۹. مشبکی، اصغر و وهاب خلیلی شجاعی (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۱، زمستان، شماره ۴.
۸۰. مک کوایل، دنیس (۱۳۸۸)، نظریه ارتباطات جمعی. ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۸۱. ملکات، سرینیواس و اج. لسلی استیواس (۱۳۸۸)، ارتباطات توسعه در جهان سوم، ترجمه شعبانعلی بهرامپور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۸۲. ممتاز، فریده (۱۳۹۲)، «معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۰، بهار و تابستان.
۸۳. موسایی، میثم (۱۳۸۸)، «آموزش توسعه‌ای و توسعه پایدار»، راهبرد یاس، شماره ۱۳.
۸۴. مهدوی کنی، محمد سعید، (۱۳۸۷)، دین و سبک زندگی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۸۵. مهدوی، سید محمد صادق و احسان رحمانی خلیلی (۱۳۷۸)، «بررسی تأثیر دینداری بر مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال ۲، شماره ۴، زمستان.
۸۶. میرزائی راجعونی، سلیمان (۱۳۹۹)، جامعه‌شناسی سیاسی، دوره دو جلدی، تهران: نشر لویه.
۸۷. نت، اندی (۱۳۸۶)، فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه حسن چاوشیان، لیلا جوافشانی، تهران: شرکت انتشارات اختران کتاب.
۸۸. نش، کیت (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.

۸۹. نیازی، محسن و نصر آبادی، محمد، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین دینداری و سبک زندگی شهروندان (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۶، صفحه ۲۱۳ - ۱۷۳.
۹۰. همتی، عبدالناصر (۱۳۸۸)، نگرشی بر دیدگاه‌ها و مسایل توسعه اقتصادی، تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش).
۹۱. همیلتون، ملکم (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث.
۹۲. هیوود، اندرو (۱۳۹۳)، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر قومس، چاپ سوم.
۹۳. یار محمدی، حامد، یونس سهرابی، رضا رستمی، محمد مهدی محمدی، سهیلا لطفی، خدیجه جمشیدی (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه بین سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت با کیفیت زندگی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۴»، همایش: اولین کنگره ملی دانشجویان پارامدیکال کشور، ایران، مازندران.
۹۴. یاسینی، مصطفی (۱۳۸۸)، «مسئولیت پذیری پیرامون اخلاق مدیران»، تهران: روزنامه رسالت، شماره ۶۶۹۳.
۹۵. یونسکو (۱۳۷۶)، فرهنگ و توسعه، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و محمد فاضلی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

#### منابع لاتین

- ۱- Ackerman, B., (۱۹۸۸), "Neo-federalism?", in Constitutionalism and Democracy, J. Elster, R. Slagstad (eds.), Cambridge: Cambridge University Press, ۱۵۳-۱۹۴.
- ۲- Akenji, L. (۲۰۱۴). Consumer scapegoatism and limits to green consumerism. *Journal of Cleaner Production*, ۶۳, ۱۳-۲۳. <http://doi.org/10.1016/j.jclepro.2013.05.022>.
- ۳- Akenji, Lewis.Chwn, Huizhen (۲۰۱۶), A framework for shaping sustainable lifestyles: determinants and strategies, United Nations Environment Programme.
- ۴- Aristotle, (۱۹۵۸). *The Politics of Aristotle*, E. Barker (trans., ed.), Oxford, New York: Oxford University Press.
- ۵- Barber, Benjamin. (۱۹۸۴). *Strong Democracy: Participatory Politics for a New Age*. Berkeley: University of California Press.
- ۶- Barr, S., & Gilg, A. (۲۰۰۶). Sustainable lifestyles: Framing environmental action in and around the home. *Geoforum*, ۳۷(۶), ۹۰۶-۹۲۰. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2006.05.002>

- ۷- Beck, U. (۱۹۹۲). Risk Society: Towards a New Modernity. London: Sage Publications.
- ۸- Beck, U. (۱۹۹۴). "The Reinvention of Politics: Towards a Theory of Reflexive Modernization." In Reflexive Modernization: Politics, Tradition and Aesthetics in the Modern Social Order, edited by U. Beck, A. Giddens, and S. Lash. Stanford, CA: Stanford University Press.
- ۹- Bocoock, R. (۱۹۹۲) Consumption and Lifestyles, in R. Bocoock and K. Thompson (eds). Social and Cultural Forms of Modernity, Cambridge: Polity.
- ۱۰-Bossel H. (۱۹۹۹). Indicators for sustainable development: theory, method, application. International Institute for Sustainable Development, Canada, pp. ۷- ۱۰. [Google Scholar]
- ۱۱-Carens, J. H., (۲۰۰۰), Culture, Citizenship, and Community. A Contextual Exploration of Justice as Evenhandedness, Oxford: Oxford University Press.
- ۱۲-Chaney, D, (۱۹۹۶), Life style, London, Routledge.
- ۱۳-Cockerham, W.C (۲۰۰۵).Health Lifestyle theory and the cinvergence of agence and structure.Journal of Health and Social Behavior, ۴۶, ۵۱۶۷.
- ۱۴-Cohen, Lizabeth. (۲۰۰۳). A Consumers' Republic: The Politics of Mass Consumption in Postwar America. New York: Knopf.
- ۱۵-Constant, B., (۱۸۱۹), "The Liberty of the Ancients Compared with that of the Moderns", in Political Writings, B. Fontana (ed., trans.), Cambridge, New York: Cambridge University Press, ۱۹۸۸.
- ۱۶-Cooper, Terry L. (۱۹۹۱). An Ethic of Citizenship for Public Administration. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- ۱۷-Cowen, M. and Shenton, R.(۱۹۹۶) Doctrines of Development, London: Routledge.
- ۱۸-Crompton, T. Thøgersen, J. (۲۰۰۹). Simple and painless? The limitations of spillover in environmental campaigning. Journal of Consumer Policy, ۳۲(۲), ۱۴۱-۱۶۳.
- ۱۹-Darity Jr. William A.(۲۰۰۸), Editor in Chief. International Encyclopedia of the Social Sciences, ۲nd edition, Cengage learning.
- ۲۰-Ernst & Young. (۲۰۱۱). Innovating for the Next Three Billion. Ernst & Young.
- ۲۱-European Network for Environmental Citizenship – ENEC. (۲۰۱۸a). Defining "Environmental Citizenship". Retrieved from <http://enec-cost.eu/our-approach/enec-environmental-citizenship/>